



تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح المبین

سردار سرتیپ محمدحسن کوسه‌چی و تیم همراه

تنظیم: اکبر رستمی*

<p>به‌منظور تشریح عملکرد تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح المبین در دوره دوم اردوی انتقال تجارب خوزستان، سردار کوسه‌چی به‌عنوان جانشین سردار رئوفی، در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۶ و در پادگان شهید کلهر اندیمشک مطالبی را بیان کرد. ایشان به‌صورت خلاصه به بررسی وقایع قبل و حین عملیات پرداخت و مطالبی را هم در بازدید میدانی دانشجویان از منطقه عمومی غرب کرخه بیان کرد. در تشریح عملکرد تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح المبین، سردار عبدالمحمد کوچک از مسئولان اطلاعات و عملیات تیپ و لشکر ۷ ولی عصر (عج) در دوران دفاع مقدس که در این عملیات مسئول اطلاعات تیپ در محور صالح مشطط بوده است و آقای خضریان از فرمانده گردان‌های تیپ و لشکر در دوران دفاع مقدس، سردار کوسه‌چی را همراهی می‌کردند. در جلسه تشریح وضعیت این تیپ، سردار کوسه‌چی با تأخیر حاضر شد و فرصت کمی برای بیان مطلب خود داشت، بنابراین محور اصلی مباحث براساس گفته‌های سردار کوچک است. ایشان در سخنرانی خود به موضوعات مختلفی همچون تشکیل سپاه دزفول، اقدامات سپاه دزفول قبل و بعد از جنگ، سیر تشکیل تیپ و تشریح کامل عملیات فتح المبین در محور تیپ ۷ ولی عصر (عج) پرداخت. در انتها به برخی از نکات و تجارب فرماندهی آقای خضریان در دوران دفاع مقدس نیز اشاره خواهد شد.</p> <p>واژگان کلیدی: محمدحسن کوسه‌چی، لشکر ۷ ولی عصر (عج)، انتقال تجارب، تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین (ع).</p>	<p>چکیده</p>		

مقدمه

طبق ابلاغیه، هم نیروهای سپاه و هم ارتش به‌صورت ادغامی عمل کردند. در این عملیات، ادغام واقعی در لشکر ما صورت گرفت، ولی بقیه یگان‌ها طبق خواسته خودشان و متفاوت با ما ادغام شدند.»

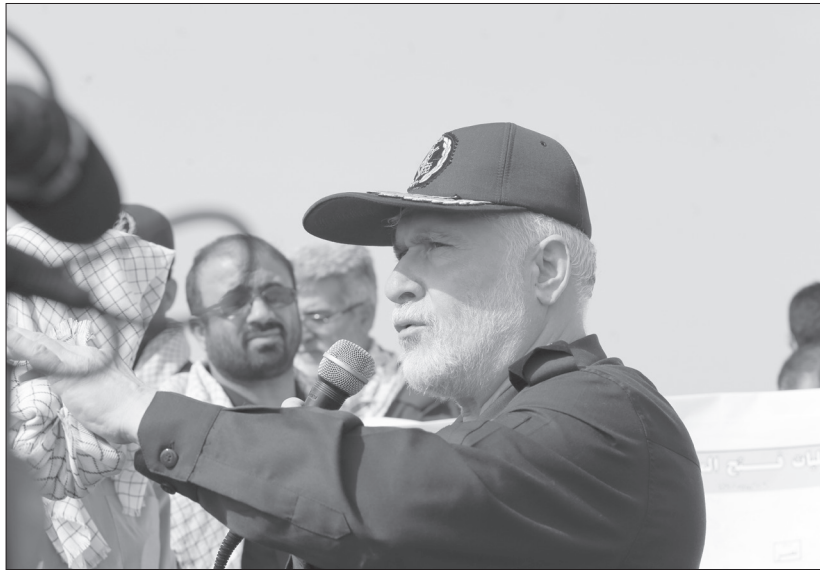
جغرافیای منطقه

سردار کوسه‌چی در این بخش از صحبت‌های خود به معرفی منطقه عمومی و جغرافیای غرب کرخه پرداخت و گفت:

سردار کوسه‌چی در ابتدا با بیان کلیات و سابقه خود سخنانش را آغاز و اظهار کرد:

«بعد از پیروزی انقلاب، سپاه دزفول در پادگان کرخه مستقر شد و پس از یک ماه، ما برای شناسایی به مرز رفتیم. در عملیات فتح المبین، بنده جانشین رئوفی بودم. ما تنها تپیی بودیم که در دو محور مستقل عمل کردیم و دو گروه با عنوان قرارگاه نصر تاکتیکی ۱ و ۳ بودیم. در این عملیات ما با ارتش ادغام شدیم و

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس



سردار محمدحسن کوسه‌چی جانشین لشکر ۷ ولی عصر (عج) در دوران دفاع مقدس، موقعیت سایت رادار ۴ و ۵ در منطقه عملیاتی فتح‌المبین.

برنامه‌ریزی آنها بود؛ درحالی‌که ما غافل بودیم. بعد از آغاز جنگ بنا به تدبیر سردار رشید جاهایی که نیروهای ارتشی بودند ما جلو آنها نیرو می‌گذاشتیم، جاهایی که ارتش نبود هم خود عناصر سپاه دزفول و تیپ ۷ ولی عصر (عج) در اکثر یگان‌ها حضور داشتند که شامل مناطقی چون دالپری، دهلیز و تپه چشمه می‌شد. یگان ما از قبل در منطقه حضور داشت. ما در سراسر محدوده میشداغ تا کرخه که ۵۰ کیلومتر بود، نیرو داشتیم؛ حتی در تنگه سعده که روبه‌روی تپه‌های الله‌اکبر بود هم نیرو داشتیم. ما یک‌سال ونیم در محور غرب شوش (دشت عباس) مستقر بودیم و بر منطقه نبرد تسلط داشتیم. دو محور کوچک هم در منطقه شوش داشتیم؛ یکی جبهه صالح مشطط بود و یکی هم جبهه کرخه. یک محور عمده هم در منطقه شجاع داشتیم. جبهه عنکوش هم در دست بچه‌های سپاه دزفول بود که به تدریج برخی از آنها به سایر یگان‌ها واگذار شدند.

ما در محور تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح‌المبین کاملاً به‌صورت جبهه‌ای عمل می‌کردیم و این، سختی کار را دوچندان می‌کرد، ولی در قرارگاه قدس عملیات احاطه‌ای داشتیم. نظرم این است که اگر کمی بیشتر جرئت و اعتماد به‌نفس داشتیم و فشار بیشتری وارد می‌کردیم، منطقه‌ای با وسعت بیشتر را آزاد می‌کردیم و کل منطقه فتح‌المبین را در دست داشتیم. مثلاً اگر از عین‌خوش حمله می‌کردیم و تا رقابیه می‌آمدیم، کل منطقه را می‌گرفتیم.

ارتش عراق در محور شوش تک مختل‌کننده انجام داد که بهترین جا بود. دشمن فکر نمی‌کرد که ما از محور قرارگاه قدس به آنها حمله کنیم. وقتی این اتفاق افتاد و دشمن فهمید مورد حمله قرار گرفته است، یگان‌های احتیاطش را عقب کشید. درکل، وقتی فشار روی دشمن سنگین و مقاومت بیشتر شد، دشمن عقب‌نشینی کرد و ناامید شد.»

سخنرانی میدانی سردار کوسه‌چی

در ادامه برنامه انتقال تجارب، به‌منظور توجیه بیشتر دانشجویان به منطقه عملیاتی فتح‌المبین، برنامه بازدید میدانی تدارک دیده شد و طی این برنامه دانشجویان در منطقه عمومی فتح‌المبین حرکت داده شدند و سردار کوسه‌چی و تیم همراه به تناسب موقعیت هر منطقه و حوادث آن توضیحاتی را بیان کردند که گزیده‌ای از صحبت‌های سردار کوسه‌چی در مکان‌های مختلف در ادامه شرح داده می‌شود.

موقعیت باند اضطراری فرودگاه

«[نیروهای تیپ ۷ ولی عصر (عج)] از دو محور وارد عملیات شدند [وقتی از سه‌راه قهوه‌خانه گذشتیم، ما هم که پشت کرخه بودیم کم‌کم خود را به دشمن رساندیم. ارتفاعات مقابل شما، ارتفاعات تپه چشمه است. محور

گردان ابادر به‌صورتی بود که از شمال به جنوب حمله می‌کرد. همان‌طور که گفتم ما نصر ۱ و ۳ بودیم. نصر ۱ باید خود را به سه‌راه قهوه‌خانه می‌رساند و بعدش به سمت رفائیه حرکت می‌کرد.

نصر ۳ هم از تپه سبز از شرق به غرب حرکت می‌کرد. از پل نادری تا سه‌راه قهوه‌خانه بین ۸ الی ۱۰ کیلومتر است. در ادامه ما به نزدیک سه‌راه قهوه‌خانه رسیدیم. از سه‌راه قهوه‌خانه به سمت دهلران ۷ الی ۸ کیلومتر که بروید، به ارتفاعات

علی‌گروه‌زرد می‌رسید که زیاد بلند نیست؛ یعنی ارتفاع زیادی ندارد. اگر روی ارتفاعات علی‌گروه‌زرد بایستیم کل منطقه را می‌توانیم ببینیم.

ارتش عراق در مدت حضور خود در منطقه غرب کرخه، خود را کامل به رودخانه نچسباند و این ضعف آنها بود. حتی در رقابیه در ۶ ماهه اول، نه عراقی‌ها بودند نه ایرانی‌ها؛ چراکه عمده منطقه رملی است. پایین رقابیه ارتفاعات میشداغ است و عرض تپه‌ها ۱۵ الی ۲۰ کیلومتر است.

در منطقه ذلیجان قرار بود شهید کاظمی عمل کند و من چون به منطقه آشنایی داشتم، با ابلاغ سردار رشید، شهید کاظمی را به منطقه توجیه کردم. نیروهای احمد کاظمی را بردیم پشت ذلیجان و رقابیه را به آنها نشان دادیم و احمد کاظمی در این عملیات، دشمن را کامل از پشت دور زد. با این اقدام کاظمی دشمن دور خورد و سرعت عقب‌نشینی‌اش به سمت مرز افزایش یافت.

ابتدا در عملیات فتح‌المبین برنامه این بود که با یک قرارگاه حمله شود و بعد به‌صورتی طراحی شد که چند قرارگاه باشد. علت اینکه از دو محور حمله کردیم این بود که موقعیت ما را زمین دیکته می‌کرد؛ یک محور صالح مشطط و یک محور تپه چشمه.

موقعیت ارتفاع علی‌گروه‌زرد

از اینجا تا مرز ۵۰ الی ۶۰ کیلومتر است. در محدوده لشکر ۷ ولی عصر (عج) و ۲۷ حضرت رسول (ص) ارتفاعات شمالی شاوریه و بلتا بود. سمت چپ منطقه علی‌گروه‌زرد برای لشکر ۷، سمت راست آن برای لشکر ۲۷ و محدوده

سردار کوسه‌چی:

احمد کاظمی در منطقه ذلیجان دشمن را کامل از پشت دور زد. با این اقدام کاظمی دشمن دور خورد و سرعت عقب‌نشینی‌اش به سمت مرز افزایش یافت.

عملیات هم مسئول اطلاعات تیپ در محور صالح مشطط بوده است، به بیان مطالبی پرداخت و به موضوعات مختلفی همچون تشکیل سپاه دزفول، اقدامات سپاه دزفول قبل و بعد از جنگ، سیر تشکیل تیپ و تشریح کامل عملیات فتح‌المبین در محور تیپ ۷ ولی عصر (عج) اشاره کرد که در ادامه گزارشی از اهم گفته‌های ایشان ارائه خواهد شد.

لشکر ۷ از تپه چشمه تا علی‌گره‌زرد بود. عمده کار لشکر ۲۷ همان مقاومت‌های جزئی بود که حتی قابلیت دورزدن هم می‌توانست داشته باشد و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و سایر یگان‌ها ممکن بود خط ممتد و پیوسته نداشته باشند.

لشکر ۲۷ وقتی وارد دشت شد، در اینجا کل توپخانه‌های دشمن مستقر بودند که آنها را فتح کردند و در محور عین‌خوش هم لشکر ۱۴ توپخانه دشمن را خفه کرد.

تشکیل سپاه دزفول

«چون منطقه عملیاتی فتح‌المبین در نزدیکی دزفول است، سردار کوچک ابتدا به اختصار درباره سپاه دزفول صحبت و اظهار کرد: «بعد از انقلاب که سپاه دزفول تشکیل شد، اندیمشک و شوش هم زیر نظر حوزه جغرافیایی سپاه دزفول بودند و سردار آوایی فرمانده آن شد و سردار

رشید هم مسئول عملیات سپاه دزفول و سردار رئوفی هم جانشین سردار رشید بود. در شمال و جنوب خوزستان ضدانقلاب فعال بود و بمب‌گذاری می‌کرد، لذا ما نیاز به جایی داشتیم که به صورت عملیاتی مستقر شویم. لذا برای مقابله با ضدانقلاب‌هایی که از مرز عبور می‌کردند و دست به ایجاد ناامنی و انفجار خطوط لوله می‌زدند، سازماندهی شدیم و در پادگان کرخه که متعلق به ارتش بود و قرار بود یک گردان زرهی را در آنجا مستقر کند، مستقر شدیم. بعد از این،

موقعیت کوت کاپون

کرخه این قدر پریپیچ‌وخم است که آب مرتب جابه‌جا می‌شد و زمین را تغییر می‌داد. محل الحاق ما با لشکر ۲۷ در همین محور بود.

موقعیت سایت و رادار

این سایت رادار از ایلام تا امیدیه را پوشش می‌دهد. این ارتفاع بلندترین ارتفاع زمین منطقه است. روبه‌رو و شرق، شهر شوش است. منطقه شمالی، ارتفاعات تپه چشمه و کرخه، سمت غرب ما قرار دارد. دامنه ارتفاعات تپه است، سمت جنوب منطقه دوسلک است.

سمت چپ ما سندال، آب‌گرفتگی بود. ارتفاعات مرز برغازه است. سمت راست منطقه کاملاً خالی بود و از رفائیه تا عنکوش، نیروهای سپاه شوش و دزفول مستقر بودند.»

تشریح عملکرد تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح‌المبین

در تشریح عملکرد تیپ ۷ ولی عصر (عج) در عملیات فتح‌المبین، سردار عبدالمحمد کوچک که در این

سردار کوسه‌چی:

بعد از انقلاب که سپاه دزفول تشکیل شد، برای مقابله با ضدانقلاب‌هایی که از مرز عبور می‌کردند و دست به ایجاد ناامنی و انفجار خطوط لوله می‌زدند، سازماندهی شدیم.

منطقه خودمان برگشتیم و در خطوط پدافندی مستقر شدیم. در محور فکه و محور چنانه، عراق ۲ لشکر جهت تصرف شمال خوزستان در نظر گرفته بود. این ۲ لشکر ظرف یک هفته به پای پل کرخه رسیدند و به صورتی نامنظم در حاشیه کرخه مستقر شدند. بچه‌های سپاه دزفول و ارتش که قبل از جنگ در مرز مستقر بودند عقب‌نشینی کرده بودند و حتی از بچه‌های دزفول اسیر هم شده بودند.

لذا ما ۴۰ نفری که از کردستان برگشته بودیم به خواست سردار رشید در جبهه دشت عباس مستقر شدیم و چون سابقه جنگ‌های نامنظم کردستان را داشتیم، جبهه نامنظمی تشکیل دادیم و به‌مرور سایر جبهه‌های پدافندی غرب کرخه را نیز تشکیل دادیم. که همه این جبهه‌ها را سردار رشید و سپاه دزفول تشکیل دادند.»

سردار کوچک در تشریح وضعیت خطوط پدافندی غرب کرخه اظهار کرد:

«بالاترین جبهه (شمال غربی منطقه عملیاتی)، جبهه دالپری بود. پایین‌تر از آن جبهه دشت عباس بود که ما بودیم. جبهه‌های تپه چشمه، کرخه، صالح مشطط، مالحه، زعن، شوش، رقابیه و تنگ سعده نیز تشکیل شدند که فرمانده همه آنها از بچه‌های عملیات سپاه دزفول بودند. جبهه‌های پدافندی به طول حدود ۲۰۰ کیلومتر مقابل ارتش عراق تشکیل شد و بین ما و عراقی‌ها به‌طور منظم تبادل آتش می‌شد. در این میان، ارتش عملیات ناموفق خود را در منطقه انجام داد و ما هم یکی دوتا عملیات محدود و ایذایی در شوش و رقابیه داشتیم، ولی اکثر اقدامات ما عملیات‌های نامنظم در جبهه دشت عباس بود.

پادگان کرخه مرکز آموزشی استان خوزستان برای دوره پاسداری و سپاه شد. به دلیل وسعت سپاه دزفول، بخش عملیات سپاه دزفول هم در آنجا مستقر شد.

به دلیل مسائل و ناامنی‌هایی که در غرب کرخه به وجود آمده بود، به خواست سردار رشید و رئوفی گشت‌های مرزی و استقرار در پاسگاه‌های مرزی برای سپاه دزفول راه افتاد. در یک بازدید وقتی دیدند که پاسگاه‌های مرزی (مثل سعیدیه در نزدیکی چزابه، واوی یا چم‌سری که بعد از عین‌خوش قرار دارد) خالی شده‌اند دستور دادند که در آنها مستقر شویم. گشت نوار مرزی را هم مرتب از چزابه تا دهلران انجام می‌دادیم و کمین‌های شبانه‌روزی داشتیم و با گشت‌زنی‌های مرتب مانع از قاچاق سلاح و رفت‌وآمد ضدانقلاب برای خرابکاری می‌شدیم. همین گشت‌زنی‌ها باعث شد اکثر بچه‌های ما به کل منطقه فتح‌المبین توجیه شوند و آشنایی خوبی با منطقه غرب کرخه به دست آورند. در کل، از چزابه تا دهلران نزدیک ۱۳۰ کیلومتر بود که ما پوشش می‌دادیم و سپاه دزفول به غرب کرخه تسلط ویژه‌ای داشت. یکی دیگر از کارها و ظرفیت‌های سپاه دزفول به دلیل پتانسیل بالای نیرو، اعزام نیرو به شهرهای مختلف از جمله اندیمشک (برای مقابله با درگیری‌های منافقین)، خرمشهر و آبادان (برای درگیری‌های گروه خلق عرب)، کردستان، مهاباد و ماکو بود.»

شروع جنگ و استقرار در جبهه‌های پدافندی

سردار کوچک درباره اولین روزهای جنگ و استقرار در جبهه‌های پدافندی غرب کرخه گفت:

«ما ۳ ماه قبل از جنگ در مهاباد بودیم. حدود ۴۰ نفر بودیم که یک هفته بعد از شروع جنگ به



سردار عبدالمحمد کوچک از مسئولان اطلاعات عملیات تیپ ۷ ولی عصر^(عج) در عملیات فتح‌المبین، پادگان لشکر ۱۰ شهید^(ع) در اندیمشک، اردیبهشت ۱۳۹۵.

در این زمان سپاه دزفول ۲۰ کیلومتر خط پدافندی داشت؛ حدود ۱۰ کیلومتر از تپه چشمه تا کرخه و ۱۰ کیلومتر هم از جبهه کرخه تا صالح مشطط.»

تشکیل تیپ و آمادگی برای عملیات

سردار کوچک در ادامه با اشاره به زمان شکل‌گیری تیپ، درباره سازمان رزم تیپ ۷ گفت:

«در دی‌ماه سال ۶۰، تقریباً ۳ ماه قبل از عملیات فتح‌المبین، به سپاه دزفول و سردار رئوفی ابلاغ شد که یک تیپ تشکیل بدهد و آن را سازماندهی کند. این کار انجام شد و تیپ با عنوان تیپ مقاومت دزفول تشکیل شد. برای سازماندهی و عقبه هم پادگان دوکوهه را گرفتیم. بعدها تیپ به اسم یکی از ائمه (۷ ولی عصر^(عج)) نام گرفت. در تیپ، ۷ گردان داشتیم که عبارت بودند از: ابوذر، بلال، هاشمی‌نژاد، عمار، دستغیب، شهدا، یاسر. ۲ تا ۳ گردان هم به صورت

طوری که، ما می‌رفتیم در روی جاده دهلران کمین می‌زدیم و مین‌گذاری می‌کردیم و عملیات‌های زیادی انجام دادیم. چون عراقی‌ها جبهه سمت چپشان خالی بود و ما هم خطوط پدافندی در این منطقه نداشتیم، ولی ما حدود یک‌سال‌ونیم در این منطقه بودیم و پدافند می‌کردیم، لذا همه زمین را به‌خوبی می‌شناختیم. یک الی دو ماه قبل از فتح‌المبین سایر یگان‌های سپاه وارد منطقه شدند و به‌تدریج مناطق تحت اختیار سپاه دزفول (۹ جبهه) به آنها واگذار شد. مثلاً تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص)، ۱۴ امام حسین^(ع)، ۳۲ المهدی^(عج) و ۸ نجف آمدند و در منطقه مستقر شدند تا برای عملیات خود را آماده کنند. ولی هنوز چند محور از جمله جبهه صالح مشطط و تپه شهدا (تپه چشمه) در اختیار سپاه دزفول قرار داشت.

در این فاصله سردار رشید به گلف رفته بودند و سردار رئوفی فرمانده و سردار کوسه‌چی جانشین او بود.

از ما در این عملیات درگیر بودند. در دو جبهه شمالی و شرقی ادغام‌ها نفر به نفر بود که استعداد نیرویی هر گردان ۶۰۰ نفر بود که نصفش نیروهای سپاه بود. خط حدهای گردانی و تیپی و قرارگاهی مشخص شد. ۴ گردان ما در جبهه بالایی که به محور تپه چشمه (کرخه و تپه شهدا) معروف بود، به فرماندهی سردار رئوفی هدایت می‌شد و سردار سوداگر مسئول اطلاعات و عملیات این محور بود. مقرر این محور در بالای جاده و در زاغه مهمات متعلق به ارتش بود. در این محور، ۳ گردان ما با ۳ گردان از تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه ادغام شدند و گردان بلال ما ادغام نشد و به تنهایی وارد عمل شد.

محور دوم ما هم جبهه صالح مشطط بود که آن را سردار کوسه‌چی هدایت می‌کرد و من مسئول طرح عملیات این محور بودم. مسئولیت در فرماندهی با برادران ارتش بود، ولی برادران سپاه هدایت عملیات را بر عهده داشتند. در این جبهه، ۳ گردان ما با ۳ گردان از تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه ادغام شدند. در اصل ما تیپی بودیم که با ۲ تیپ از ارتش ادغام شدیم؛ این یعنی که ما استعدادی نزدیک به یک لشکر داشتیم.

در محور تپه چشمه به ترتیب گردان‌های ابودر، بلال، هاشمی‌نژاد و عمار وارد شدند و در محور صالح مشطط گردان‌های دستغیب، شهدا و یاسر طبق خط حد تعریف شده وارد عمل شدند.

دشمن با توجه به اینکه در ارتفاعات رادار مستقر بود و بر کل منطقه پیرامون اشراف و دید تیر داشت، در ۲۸ اسفند و ۴۸ ساعت قبل از شروع عملیات، به نیروهای قرارگاه فجر تک پیش‌دستانه‌ای زد که این کار سبب اختلال در منطقه و عملیات شد.»

احتیاط داشتیم که فقط نیروی آماده و ساماندهی شده بودند و فرمانده نداشتند. با این استعداد خود را برای عملیات فتح‌المبین آماده کردیم.

به‌دلیل حضور یک‌ونیم ساله ما در این منطقه، برادران شناسایی و تخریب، مسیرهای منطقه را شناسایی کرده بودند و حتی معابر هم باز شده بود. یکی از سخت‌ترین جاه‌ها، جبهه کرخه بود؛ چون ارتش عراق منطقه را به‌خوبی تحت نظارت داشت و آخرین موانع و سلاح‌های خود را در آنجا تعبیه کرده بود.»

طرح مانور

سردار کوچک درباره چگونگی طرح‌ریزی عملیات و مأموریت تیپ ۷ اظهار کرد: «با نزدیک‌شدن به عملیات، سازماندهی و طرح عملیات جدی شد و ۴ قرارگاه تشکیل شد که ما به‌همراه تیپ ۲۷ زیر نظر قرارگاه نصر بودیم که

سردار کوچک:

تقریباً ۳ ماه قبل از عملیات فتح‌المبین، به سپاه دزفول و سردار رئوفی ابلاغ شد که یک تیپ تشکیل بدهد و تیپ با عنوان تیپ مقاومت دزفول تشکیل شد و بعدها تیپ به اسم یکی از ائمه (۷ ولی عصر (عج)) نام گرفت.

فرماندهی آن با شهید باقری بود. خط حد ما از شیخال شکل شروع می‌شد (از سمت راست جبهه تپه چشمه شروع می‌شد و تا تپه سبز ادامه داشت) و جناح راست ما هم تپه‌های علی‌گره‌زرد و شاوریه بود که محدوده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) بود. جناح چپ ما هم لشکر ۳۳ المهدی (عج) بود.

در طرح‌ریزی برای عملیات، فرماندهان به این نتیجه رسیدند که ما در این عملیات با ۲ تیپ از لشکر ۲۱ حمزه ادغام شویم. به‌صورت کلی ۷ گردان

شرح نبرد تیپ ۷ ولی عصر (عج)

تیپ ما در این عملیات، این بود که جاده دهلران را تا سه‌راهی قهوه‌خانه تصرف کنیم و پشت شیاری در منطقه کوت کاپون پدافند کنیم؛ که این کار با موفقیت انجام شد.

مأموریت دوم ما این بود که احتیاط تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) و منطقه عین‌خوش باشیم و خطوط دشمن را تصرف کنیم. ما در ۴۸ ساعت اول عملیات، به خطوط پدافندی موردنظر رسیدیم و پشت رودخانه رفتی خط

سردار کوچک در بحث شرح عملیات یادآور شد که عملیات قرار بود روز یکم فروردین شروع شود، اما با تک دشمن در محور قرارگاه فجر، ۲۴ ساعت به تأخیر افتاد. باوجود این نیروهای تخریب و شناسایی خودی یک شب قبل برای بازکردن معابر رفته بودند و وقتی عملیات عقب افتاد، نتوانستند بازگردند؛ بنابراین در منطقه ماندند تا عملیات شروع شود. ایشان افزود:

«عملیات در ۱۳۶۱/۱/۲ و ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه با رمز "یا زهرا(س)" شروع شد. همان اول کار در محور تپه شهدا، فرمانده گردان ابوذر به نام جعفر حیدریان شهید شد، ولی نیروها نتوانستند با وجود همه مشکلات و شهادت فرماندهان، به خط حد موردنظر برسند و جاده دهلران به سمت اندیمشک را بگیرند. سمت چپ هم گردان بلال به فرماندهی سردار کلولی بود که درگیری شدیدی رخ داد و این گردان تعدادی اسیر هم داد، ولی فردای عملیات، به جاده آسفالت رسید. گردان هاشمی‌نژاد را هم خود آقای خضریان توضیح می‌دهد. در این عملیات، گردان عمار تیپ ما برای اولین بار حدود ۳۰۰ متر تونل احداث کرد که این کار ماه‌ها طول کشید؛ تونلی که نیروهای یک گروهان کامل از آن عبور کردند و دقیقاً زیر پای دشمن در ارتفاعات هندلی بیرون آمدند.

در محور صالح مشطط هم گردان دستغیب با فرماندهی آقای میرزاپور بود و فرمانده گردان شهدا هم عظیم محمدی بود که بعدها مسئول عملیات لشکر شد و در کربلای ۵ شهید شد. سمت چپ آنها هم گردان یاسر به فرماندهی سردار فضیلت بود که از کنار تپه سبز وارد شدند. مأموریت اصلی

پدافندی تشکیل دادیم. در مرحله دوم فرماندهان به تیپ ما مأموریت دادند که ارتفاعات سایت رادار را بگیریم؛ زیرا قرارگاه فجر به دلیل مشکلاتی که داشت، در مرحله اول وارد عمل نشد. به همین دلیل در مرحله دوم عملیات مقرر شد تیپ ۷ ولی عصر (عج) در این منطقه وارد شود و به سمت سایت رادار پیش برود. هم‌زمان

لشکر ۲۷ می‌بایست به سمت ارتفاعات تینه می‌رفت که در سمت چپ ارتفاعات سایت رادار قرار داشت. قرارگاه فجر هم قرار شد از جلو مأموریت خود را انجام دهد.

در پایان مرحله اول چون جلو ما خالی از دشمن بود، بیش از میزان مقرر جلو آمدیم و پس از استقرار در رودخانه رفتی مرحله دوم را هم با همان استعداد و ترکیب و فرماندهی مرحله اول شروع کردیم (بدون اینکه شناسایی جدید انجام دهیم)، لذا قرار شد مسیر حدوداً ۱۰ کیلومتری رفتی تا سایت رادار را پیش

سردار کوچک:

در این عملیات، گردان عمار تیپ ما برای اولین بار حدود ۳۰۰ متر تونل احداث کرد که این کار ماه‌ها طول کشید؛ تونلی که نیروهای یک گروهان کامل از آن عبور کردند و دقیقاً زیر پای دشمن در ارتفاعات هندلی بیرون آمدند.

